

نقد و نظری هنر اولین نظامنامه های

کارگری قالیبافان ایران (کرمان)

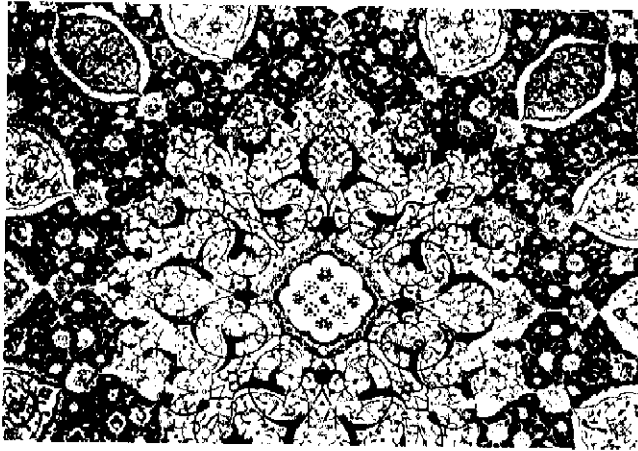
علی ططری

درآمد:

وضع قوانین اجتماعی خصوصاً در زمینه کار و مشاغل صنعتی در ایران عهد قاجاریه به ویژه قبل از مشروطیت مورد غفلت زمامداران وقت واقع شد. شکل گیری طبقه کارگر ایران از اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم آغاز شد و علت اصلی آن تحولات عمیق ایجاد شده در کشور بود که در جای خود "باعث خانه خرابی روستائیان و ورشکستگی پیشه‌وران شده بود." (۱) نیروی کار شهری اندک بود و بخش اعظم این نیرو در کارگاه‌های صنعتی سنتی کار می‌کردند. (۲) در این زمان ترکیب اصلی طبقه نوپای کارگر ایران را "پیشه‌وران ورشکست شده"، "فقراى شهری"، "اعضای ایلات" و "به خصوص عمده‌ترین بخش آن راروستائیان" تشکیل می‌دادند. (۳) گر بخوایم دقیق‌تر به این موضوع بپردازیم، تا قبل از سال ۱۲۹۹ش، ۱۹۲۷م. ایران به سختی صنعتی جدید داشت. (۴) البته به دلیل شرایط بغرنج سیاسی، مشکلات اقتصادی و کمبود و یا حتی گاهی نبودن نیروی کارآمد و آگاه دیوانی، محلی برای رشد صنایع جدید باقی نمی‌گذاشت. با شکست محمدعلی شاه از مشروطه خواهان و فرار او به روسیه، میزان تسلط حکومت مرکزی بر ایالات کاهش چشمگیری یافت، در نتیجه توجه رجال ایران به امور مهمتری (۱) جز وضعیت کار و کارگرانی که به تدریج یک طبقه را به نام خویش ثبت کرده بودند، معطوف گردید.

پس از روی کار آمدن حکومت کودتا، سقوط قاجاریه و ظهور پهلوی، قوانین جدیدی در مجلس شورای ملی - به ویژه از مجلس ششم (۱۳۰۵ش) - به بعد - به تصویب رسیدند، (۵) که برخی از آنها به شاخه کار و نیروی کارگر مربوط می‌شد. شاید بتوان سالهای ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۸ش را دوره‌ای دانست که ایران در تلاش بود تا به عنوان کشوری صنعتی مطرح شود. در همین راستا صنایع (غیر نفتی) "تا اندازه ای توسعه یافت" (۶) و اصلاحاتی زودگذر و به لحاظ اقتصادی غیرواقع بینانه نیز انجام شد که البته از نظر سیاسی دست نیافتنی بودند و لاجرم به زودی با شکست مواجه گردیدند (مانند استخدام میلیسوی امریکایی و اصلاحات مالی که به نتیجه ای نرسید).

مباحثات مجلس در زمینه نیاز به قانون کار و توجه به وضعیت کارگران به دلیل عدم حمایت سیاسی ناکام ماند. البته در این زمان ایران هنوز از نظر اجتماعی و اقتصادی برای این کار آمادگی نداشت. در حالی که در اروپا و امریکا سازمانها و اتحادیه های کارگری به منظور دفاع از منافع کارگران در مقابل استثمارکنندگان یعنی کارفرمایان سرمایه دار به وجود آمده بودند، در کارگاههای پیشه‌وری ایران به سبب تسلط مناسبات پدرشاهی بین شاگردان و استادکاران، صاحبان کارگاه‌ها و استادکاران نقش پدری و رهبری را در کارگاهها به عهده داشتند. (۷) کارگران مزدگیر با دستمزدهای بسیار پایین و غیرعادلانه و "تیز شرایط زندگی غیرانسانی" به راحتی از سوی "اشراف زمیندار، تجار و قشر بالای پیشه‌وران" استثمار می‌شدند و این امری بسیار عادی "بود" (۸) اما با این وجود، ایران در همان آغازین روزهای تاسیس سازمان بین‌المللی کار (۹) به عضویت آن درآمد بود و بدین ترتیب، سازمان مزبور وضعیت کارگری و شرایط کار در ایران را مورد بررسی قرار داد. جالب این که با بررسی اسناد موجود، اولین صنعتی که بدین لحاظ مورد توجه سازمان بین‌المللی کار قرار گرفته است صنعت قالیبافی بود. (۱۰) شاید بدین سبب که اولاً هر چند قالیبافی در این زمان تنها صنعت ایران نبود اما در بیرون از کشور، صنعت اصلی به شمار می‌آمد و "بخش عمده صادرات صنعتی" ایران را تشکیل می‌داد. (۱۱) چنان که در اواخر قرن نوزدهم ارزش "کل صادرات قالی به حدود ۵۰۰۰۰ لیره



دفتر بین‌المللی کار اطلاع یافته که کنسول انگلیس در کرمان پس از مشورت و موافقت با نمایندگان کارخانه‌های عمده قالیبافی متعلق به امریکائیا و اروپائیان، شرایط ذیل را پیشنهاد نموده [است]:

۱- جلوگیری از استخدام پسرها قبل از ۸ سال و دخترها قبل از ۱۰ سال.

۲- منتهی الیه دستگاه قالیبافی اقلا ۱۱ اینچ از زمین مرتفع باشد که کارگر بتواند پای خود را زیر دستگاه دراز کند و مجبور به چمباتمه زدن (۲۶) و ابتلای به عواقب وخیم آن نباشد.

۳- مدت کار به مدت ۸ ساعت محدود بوده و در وسط روز یک فرجه مختصری داشته باشد که در آن مدت مجبور به خروج از محل کار باشد.

۴- انتخاب یک کمیسیون (که اعضای آن خارج از صاحبان این صنعت باشد) که ناظر اجرای مسائل فوق باشد. (۲۷)

ناکامی توماس در دریافت جواب از سوی دولت ایران موجب شد که وی مجدداً نامه ای بدین مضمون به وزارت امور خارجه (۳۱ اوت ۱۹۲۱) ارسال نماید:

در تعقیب کاغذ ۴۴/D.۲ فوریه ۱۹۱۹ نظر به نزدیکی افتتاح کنفرانس بین‌المللی کار در ۲۵ اکتبر، متحنی است اطلاعات و پیشنهادات راجع به جهات کار در کارخانه‌ها و قوانین لازمه در اجرای سفارشات کنفرانس واشنگتن را ارسال دارید. در تعقیب مراسلات ۱۲۴۱.D اکتبر ۱۹۲۰ و ۷ ژوئیه ۱۹۲۱ راجع به اجیر کردن اطفال در کارخانه‌های قالیبافی دقت می‌دهد که اداره بین‌المللی کار هنوز جوابی دریافت نداشته [است].

آلبرت توماس - انترلاب - ژنو (۲۸)

توماس لاجرم در ۲۹ سپتامبر ۱۹۲۱ با پرنس ارفع الدوله، (۲۹) وزیر مختار ایران در ژنو مکاتبه می‌کند و ضمن شرح نامه‌هایی که به وزارت امور خارجه ایران فرستاده است و عدم موفقیت خود در گرفتن جوابی قانع‌کننده از سوی این وزارتخانه، از ارفع الدوله در جهت "حصول نتیجه مطلوبه" طلب مساعدت می‌کند. (۳۰) ارفع الدوله نیز طی نامه‌ای در جواب وی مشکلات مراده بین ایران و اروپا که حتی گاهی به مفقود شدن اصل مراسله نیز می‌انجامد را علت عدم وصول گزارش وزارت امور خارجه ایران به دفتر بین‌المللی کار معرفی می‌کند، او همچنین در ادامه می‌نویسد:

سید. (۱۲) اما با این وجود، قالیبافی در این دوران "هنوز صنعتی خانگی و وستایی بود." (۱۳) شایان ذکر است که در شرایط نیمه استعماری ایران، این صنعت توسط "بازرگانان اروپایی و ایرانی" رونق یافت و مهمترین دلیل آن تقاضای فراوان بازارهای غربی و ناتوانی صنایع جدید غربی در تولید قالی و قاپت با تولیدکنندگان ایرانی بود. (۱۴) به هر حال، فرضیه فوق چندان قابل قبول نیست، زیرا این دلیل با اهداف سازمان بین‌المللی کار همخوانی نداشت. به بیان دیگر، این سازمان در پی ساماندهی اوضاع کارگران ملل عضو بوده نه بهبود شرایط اقتصادی و تجاری کشورها.

ثانیاً بدان علت که صنعت قالیبافی تعداد زیادی از نیروی کارگر را در خدمت خود داشت، کارگران در "شرایط بسیار نامناسب صحی" و به ناچار در زیرزمین نای تاریک و نامطلوب کار می‌کردند. (۱۵) این دلیل منطقی‌تر به نظر می‌رسد، زیرا با معیارهای سازمان بین‌المللی کار مطابقت دارد و حول محور کارگران - شرایط کاری آنها سیر می‌کند و آن گونه که خواهیم دید، در نتیجه فعالیت سازمان مزبور، نخستین قانون کار در ایران به تصویب می‌رسد. قانونی که هر چند در یک بخش صنعتی (قالیبافی) و یک ناحیه (ایالت کرمان) محدود بود، (۱۶) ما بسیار قابل توجه و مهم است.

در سالهای بین ۱۳۰۸ تا ۱۳۱۸ش ایران تلاش گسترده‌ای در راه صنعتی شدن انجام داد و کارخانه‌هایی چون قند کهریزک، چیت سازی در اشرف مازندران، برق تهران و... تاسیس شدند. (۱۷) بنابراین بیشتر قوانین کار به بخش جدید اقتصاد و ماموران دولت (۱۸) اختصاص یافت و صنایع به ظاهر کوچکی چون قالیبافی به همراه کارگران استعمار شده آن تحت قاعده و قانون خاصی درنیامدند. (۱۹)

در این زمینه اسناد ذی‌قیمتی در مرکز اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی وجود دارد که موضوع مقاله حاضر را به خود اختصاص داده است.

معرفی سند

دانستیم که ایران یکی از نخستین اعضای سازمان بین‌المللی کار بود، لذا این سازمان با توجه به حیطه وسیع عملکردش، خود را به حمایت از کارگران ملل عضو ملزم می‌دانست. مهمترین وظیفه سازمان بین‌المللی کار، "تضمین شرایط عادلانه و انسانی کارگری و رفاه جسمی، اخلاقی و معنوی حقوق بگیران صنعتی بود." که البته در انجام این وظایف "آزادی کامل" داشت. (۲۰) بنابراین، طبق اسنادی که در این زمینه در مرکز اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است، این سازمان پس از دریافت گزارشهایی درباره وضعیت اسفناک و بسیار بد کارگران کارگاههای قالیبافی کرمان (۲۱) که بیشتر ایشان رازنان و کودکان تشکیل می‌دادند (۲۲) مسئله را در پنجمین جلسه هیات مدیره (اکتبر ۱۹۲۰) مورد بحث قرار داد. (۲۳) در نتیجه آلبرت توماس، (۲۴) رئیس دفتر سازمان مزبور در تلگرافی (۳۱ اکتبر ۱۹۲۰) به دولت وقت ایران راجع به اجیر کردن اطفال در کارخانه‌های قالیبافی هشدار می‌دهد. وی ضمن بیان شرایط نامناسب محیط کار و مشکلات جسمانی ناشی از آن که گریبانگیر این کارگران در کرمان شده بود، از دولت می‌خواهد که نسبت به تعهداتش در سازمان بین‌المللی کار پایبند باشد و طبق "ماده ۲۳" قانون کار سازمان، نهایت تلاش خود را در جهت بهبود اوضاع ایشان مبذول دارد. (۲۵) آخر الامر نیز پیشنهادات کنسول انگلیس در کرمان مبنی بر ایجاد شرایط جدید برای بهبود وضعیت کارگران قالیباف را بدین شرح ذکر می‌کند:

کابینه جدید ایران (۳۱) در جزو پروگرام خود مسئله اصلاح شرایط زندگی کارگران و زارعین را متذکر شده و سعی خواهد کرد که طرز زندگی آنها بیش از پیش با شرایط جدید حفظ الصحه (۳۲) و امنیت نزدیک شود و قطعاً نتیجه مثبتی هم به دست خواهد آمد. معهدا دوستدار از ارسال یادداشت شما به وزارت امور خارجه خودداری نکرده [ابست] و حتی المقدور در ایصال جواب فوری و اجرای اصلاحات منظوره اهتمام خواهد نمود. (۳۳)

آن گونه که از متن سند فوق برمی آید، ارفع الدوله ترجمه نامه توماس را علاوه بر نخست وزیری برای وزارت امور خارجه نیز ارسال نموده است. لذا نخست وزیری هم پس از انجام اقداماتی، در تاریخ ۱۲ جدی ۱۳۰۰ در نامه ای (به شماره ۱۵۴۸۲) به مجلس شورای ملی اعلام می دارد که چندی قبل دستورات لازم به جهت ترتیب کار کارگران قالیباف کرمان و شرایط حفظ الصحه آنها به والی کرمان مخابره شده است و ایالت نیز در محل قرارنامه [ای] با حضور صاحبان کارخانه و غیره [ترتیب] داده است که متن آن را ضمیمه همین نامه به اطلاع مجلس می رساند. بدین ترتیب از مجلس می خواهد که پیگیری های لازم را مبذول دارد و نتیجه را برای وزارت امور خارجه نیز ارسال نماید تا این که مراتب انجام امور هر چه "زودتر" به ارفع الدوله تلگراف شود. (۳۴) مجلس هم در ۲۰ جدی ۱۳۰۰ در جوابیه ای (به شماره ۳۷۸۳) به ریاست وزرا می نویسد: "ریاست محترم و وزرای عظام دامت شوکهم - فدایت شوم - مرقومه محترم مورخ ۱۲ برج جاری به نمره ۱۵۴۸۲ به ضمیمه سواد راپورت ایالت کرمان اصل و چنانچه از راپورت مزبور مستفاد می شود در دو فقره پیشنهاد قنصل انگلیس که سواد آن قبلاً ارسال شده (یکی راجع به انتخاب کمیسیون بی طرفی برای نظارت و تفتیش در حال کارگران، دیگری ترتیب دادن دستگاه های قالیبافی به قسمی که کارگر بتواند پای خود را دراز کند) توجهی نشده [است] به علاوه متنی است تعیین فرماید که دستوری که در ترفیه حال کارگران صادر شده منحصر به کرمان است و یا شامل کاشان و سایر نقاط می شود و در آنجا چه اقدامی شده است؟" (۳۵)

هرچند نخست وزیری در جواب این نامه در مورد چگونگی قرار گرفتن دستگاه های قالیبافی مجدداً تأکید می کند، اما چنان که خواهیم دید در این زمینه کاری صورت نمی گیرد. از سوی دیگر، طبق این جوابیه، تلگرافی با موضوع رسیدگی به امور کارگران قالیباف به سایر ایالات و ولایات هم مخابره شده است که البته با توجه به شواهد امر، این موضوع در عمل به اجرا در نیامد. (۳۶) لازم به توضیح است که ارفع الدوله پیش از این در ۲۰ اکتبر همان سال (۵ جدی ۱۳۰۰) در تلگرافی به مجلس شورای ملی، جدیت و پافشاری سازمان بین المللی کار را در ارتباط تدوین قانون کار برای کارخانه ها و کارگران قالیباف کرمان هشدار می دهد. (۳۷) مجلس نیز در جوابیه ای (۲۰ جدی ۱۳۰۰) ضمن این که به ارفع الدوله اطمینان می دهد کلیه اوامر در دست اجرا است، "اقرار" می نماید که "کافی نیست" و اقدامات دیگری انجام خواهد شد که بعداً نتیجه آن را به اطلاع وی می رساند. همچنین بیان می کند متن تلگراف والی وقت کرمان، جعفرقلی خان بختیاری (۳۸) به وزارت امور خارجه که رونوشتی از آن به مجلس نیز ارسال شده بود را نیز ضمیمه این نامه برای ارفع الدوله می فرستد. (۳۹) بنابر متن این تلگراف در "تالار ایالتی" کرمان، مجلسی از روسای دوایر دولتی و "هیئت قالیباف" تشکیل شده است که در جریان آن طبق اوامر دولت، نظامنامه ای که شامل کارخانجات داخله و خارجه می شد، بدین شرح به امضای شرکت کنندگان رسیده است:

۱- به هیچ وجه اجباری در استخدام شاگردان منظور نشود و اجیرنامه کاملاً به رضایت طرفین صورت خواهد گرفت.

۲- اجیرنامه ها (۴۰) بعد از آن که به مهر حاکم شرعی رسید توسط استاد کارگذاری و اداره فواید عامه آورده [و] اثبات خواهد شد.

۳- در موضوع، اجیرنامه های قبل تا اول حمل موقوف المذاکره [هستند] و از اول حمل باید کلیه اجیرنامه ها را به طوری که در ماده ۲ نوشته شده برای ثبت به کارگذاری و اداره فواید عامه بیاورند.

۴- به طور کلی مدت کار برای شاگردان و اشخاصی که اجیر شده اند در تمام فصل ۸ ساعت خواهد بود و زیاده بر این فقط برای اشخاصی است که با طور داوطلب و مقاطعه کار می کنند، جایز خواهد بود.

۵- پسر کمتر از ۸ سال و دختر کمتر از ۱۰ سال نداشته باشند.

۶- استنادی که در قوه دارند ساختمان کارخانه های خود را موافق حفظ الصحه ترتیب داده و آنان که نمی توانند حتی القوه به دستوری که از طرف حافظ الصحه داده می شود، عمل کنند. (۴۱)

۷- اجرت شاگردان اجالتاً تا [برج] حمل ۱۳۰۱ که ترتیب قطعی داده شود صد [ی] پنج اضافه خواهند داد.

۸- ایام جمعه و روزهای اعیاد و قتل کارخانه ها تعطیل خواهد بود.

۹- کارخانجات زنانه و مردانه علیحده و سوا خواهد بود.

۱۰- هیئت قالیباف متعهد شدند چنانچه برخلاف مواد فوق رفتار نمایند مورد مسئولیت واقع شوند... (۴۲)

بدین ترتیب، آن گونه که گفته شد و از متن سند برمی آید، مواد فوق زیر عنوان نظامنامه و در مجلسی متشکل از اعضای دوایر دولتی و هیئت قالیباف ها در کرمان تنظیم و به تصویب رسیده است. بنابراین نمی توان آن را یک قانون جامع کارگری دانست، زیرا اولاً مورد تصویب مجلس شورای ملی (مرجع قانون گذار) نبوده و تنها زیر نظر دولت (دستگاه اجرایی) تدوین شده است. دوماً مواد این نظامنامه در مرحله اجرا، عمومیت نداشته و شامل حال سایر کارگران قالیباف در دیگر ایالات ایران نمی شده است.

گفتنی است پس از ثبت این به اصطلاح قانون در کارنامه عملکرد ایران در سازمان بین المللی کار، رجال وقت و کارفرمایان صنعت قالیبافی که از کابوس نامه های توماس آسوده شده بودند، دیگر جد و جهدی در نظارت بر اجرای آیین نامه از خود نشان ندادند. تا آنجا که در زمان الیگری تیمور تاش (۴۳) در کرمان (۱۳۰۳ - ۱۳۰۲ ش) مجدداً آیین نامه ای برای کارگران قالیباف تنظیم گردید. (۴۴) همچنین عواقب این بی توجهی چندسال بعد در مقاله ای زیر عنوان "صنعت قالیبافی ایران" سه شماره از روزنامه شفق سرخ را به خود اختصاص می دهد. (۴۵) آن گونه که در باب "تدوین قوانین و نظامنامه های" کارگری می نویسد:

"... اصلاح امر قالیبافی ایران منوط به این است که کارخانجاتی مطابق اصول و قواعد معمولی تمام عالم تاسیس [شود] و عملجات در اوقات مقرر موافق شرایط مخصوص در کارخانجات مزبوره کار کنند. لهذا لازم است از طرف دولت، حقوق و تکالیف طرفین یعنی کارفرما و کارگر معین و مشخص گردیده و قوانین و نظامنامه هایی مخصوص در این صنعت وضع و تدوین شود تا هریک تکالیف خود را دانسته، به وظیفه مقرر عمل نمایند." (۴۶)

"سند شماره ۱"

ترجمه نامه آلبر توماس، رئیس دفتر سازمان بین المللی کار به وزارت امور خارجه ایران در تاریخ ۳۱ اکتبر ۱۹۲۰م: آقای وزیر - دستدار با کمال افتخار به استحضار آن جناب [ناخوآنا] می‌رساند که در ضمن آخرین اجلاس ژنو (اکتبر ۱۹۲۰) هیئت مدیره انجمن بین المللی کار گران که بر حسب ماده ۳۹۳ عهدنامه ورسای تاسیس شده [است] پاره [ای] اظهارات دریافت داشته که مبنی بر شرایط اجیر شدن اطفال در صنعت قالیبافی کرمان است. هیئت مدیره را متذکر شده اند که در کرمان و قرای مجاوره کارگاه های قالیبافی در اتاق های تاریک نزدیک به هم [با سقف] کوتاه و بد هوا برپا شده و کارگران مجبورند با ناسالم ترین وضعی در آنجا گرد هم جمع شده و کار کنند. ضمناً اطلاع می دهد که اطفال در سن ۵ سالگی از اول روزالی غروب فقط با یک تفریح جزئی در وسط روز کار می کنند. این وضعیت (۴۷) و نوع خود کار غالباً در اطفال باعث یک اعر جاجاتی (۴۸) در دست و پای آنها شده و فوراً مزاج آنان را منحرف می نماید. هیئت مدیره در این موضع متذکر می شود که ایران نظر به عضویت در جامعه ملل و موافق ماده ۲۳ قرارداد آن متعهد شده است که: شرایط منصفانه و عادلانه کار را برای اطفال، نسوان و مردها تضمین و تثبیت کند. و نماینده ایران در کنفرانس بین المللی کار، منعقد در واشنگتن (۲۹ اکتبر ۲۹ - نوامبر ۱۹۱۹) لایحه [ای] که حداقل سن استخدام اطفال را تعیین می کند رأی داده و تصویب نموده و ماده ۲ این لایحه استخدام اطفال را قبل از ۱۴ سال منع می کند. هیئت مدیره نمی تواند تصور کند و به دولت ایران بیش از این اجازه دهد که شرایط و وضعیت دور از انسانیت کارگران مثل آنچه که در کرمان و حوالی ذکر شده دوام پیدا کند. هیئت مدیره با علاقه [ای] که در حفظ موقعیت اعضای خود دارد نمی تواند در مقابل نسبت هایی که علیه یک نفر از اعضای این موسسه شده و خالی از اهمیت هم نیست، به نظر لاقیدی نگاه کند. و هیئت مدیره قطع دارد که دولت ایران هم با نظریات سایر اعضای انجمن بین المللی کار موافق بوده و می خواهد که شرایط کار بر روی یک اساس عدل و انصافی استوار شود. بناء علی هذا، هیئت مدیره، انجمن بین المللی کار را مامور نموده که این نظریات را به اطلاع دولت ایران برساند و تعیین دارد که دولت علیه هم به اهمیت موضوع پی برده و اگر صلاح بداند هیئت تفتیش تاسیس خواهد کرد که نتیجه اقدامات خود را در اجلاس آتی به استحضار انجمن برساند. ممکن است که نظر به عدم تکامل تاسیسات صنفی در مملکت شما و غایت به مشکلاتی که این اداره در اجرای تعهداتی که دولت ایران در موسسه بین المللی کار نموده، بر خورده باشد و در پاره [ای] نقاط پراکنده شرایط کار بر خلاف ماده ۲۳ قرارداد بوده و از نظر دولت و تفتیش او محو شده باشد. اگر واقعا این طور است هیئت مدیره مصرأ تقاضا می نماید که دولت در اسرع وقت (۴۹) و با وسایلی ممکنه تفتیش کار خود را تکمیل و عملی نموده تا بتواند حقیقتاً تعهداتی را که با نهایت شرافت در موسسه بین المللی کار نموده به موقع اجرا گذراد. به علاوه چون ظاهراً مباحثات در این موضوع در جلسات ژانویه هیئت مدیره و شاید در کنفرانس عمومی آوریل به عمل آید. دستدار ماموریت دارد از جناب عالی تقاضا نماید اقدامات مقتضی که دولت ایران نموده و نظریاتی که می خواهد اظهار و پیشنهاد کند، به اطلاع موسسه بین المللی کار برساند.

آلبرت توماس (۵۰)

"سند شماره ۲"

نامه ارفع الدوله به مجلس شورای ملی در تاریخ ۲۰ اکتبر ۱۹۲۰م:

تقریبات شوم - شب مهمانی رسمی اولی که از طرف سکرتر ژنرال برای عموم نمایندگان مرتب شده بود، مسیو آلبر توماس، (۵۱) رئیس سوئیسیست های فرانسه که چندین بار در وقت جنگ جزو وزرای فرانسه بود بعد از شام باینده ملاقات و بی اندازه گله و شکوه از دولت علیه کرد که جواب کاغذ و تلگراف او را در باب اصلاح حال کارگران وزارت خارجه ایران نداده است. حتی می گفت خیال دارد وضع زندگانی رقت انگیز بچه ها را که از صبح تا شام روی زانو نشسته برای یک لقمه نان در کارخانه های قالیبافی کار می کنند، در جلسات عمومی به اطلاع عالمیان برساند. چون مومی الیه در مجمع، رئیس اداره بین المللی مشاغل است و حق این اقدام را دارد، با کمال رفعت و با هزاران زبان به او حالی کردم که سکوت وزارت خارجه مانه از سر لاقیدی و بی اعتنایی است بلکه به واسطه عدم انتظام راه ها است و قرار دادم توصیفی [از این مذاکره] را بدون تاخیر به وزارت خارجه نوشته [و] جواب بخواهم. مومی الیه چند روز بعد در تعقیب مذاکرات شفاهی، کاغذی رسمی به بنده نوشت و بنده جواب لازم [را] در اسکات او نوشتم و سواد هر دو را از ژنو به وزارت جلیله خارجه فرستادم. اینک سواد مکاتبات را القاً برای استحضار خاطر مبارک می نویسم [و] مستدعی هستم هر قراری که از طرف مجلس و اولیای دولت در باب آسایش حال کارگران ایران [انجام می شود] (۵۲) ایه بنده نیز مرقوم فرمایند که به مسیو آلبر توماس بنویسم. پنج روز دیگر در ژنو کنگره بین المللی از برای رفاهیت حال کارگران عالم منعقد خواهد شد. بدیختانه پول نیست که بنده هم یک نفر از طرف ایران به آنجا بفرستم که مایه اسکات حضرات شود. در این باب نیز از ژنو به وزارت خارجه نوشته ام که یک نفر از برای این کنگره معین فرمایند، نمی دانم چه قراری داده اند.

[ناخوآنا] تمام شوکت ستدام

امضاء: رضا (۵۳)

سند شماره ۳

جوابیه مجلس شورای ملی به ارفع الدوله در تاریخ ۲۰ جدی ۱۳۰۰ش:

مرفومه محترمه مورخ ۲۱ اکتبر واصل و بشارت مزاج شریف عالی موجب مسرت و امتنان گردید، امید است که همیشه در خدمات ملی و عمومی موفق و مقتضی المرام بوده باشید. در مذاکراتی که با مسیو آلبر توماس شده و مراتبی که در پیشرفت کار است شرحی مرفوم فرموده بودید، به هیئت دولت مراجعه شده و جواب می دهند که سابقاً بر حسب تقاضای وزارت امور خارجه او امر لازم به ایالت کرمان صادر شده بود و اینک نیز مجدداً دستور لازم داده شد که رفع نگرانی شود. ضمناً سواد تلگراف ایالت کرمان را ارسال داشته اند که محض استحضار خاطر شریف لفاً ارسال می شود. همواره منتظر وصول مرفومجات و مزده سلامت مزاج سعادت امتزاج عالی بوده و مراتب ارادت ارا را تجدید می کنم.

(قسمت ذیل را حضرت ریاست پناهی به خط خود علاوه نموده است):

"بالفعل نسبت به کارگران قالیباف اقدامی که شده است از سواد جواب ایالت کرمان معلوم می گردد. اقرار می دارم که کافی نیست، اقدامات دیگر شده و بعد نتیجه را اطلاع خواهم داد." (۵۴)

سند شماره ۴

جوابیه نخست وزیر میرزا احمد خان قوام السلطنه به مجلس شورای ملی

ریاست وزراء، نمره ۱۶۰۵۱، ۲۴ جدی ۱۳۳۰ش:

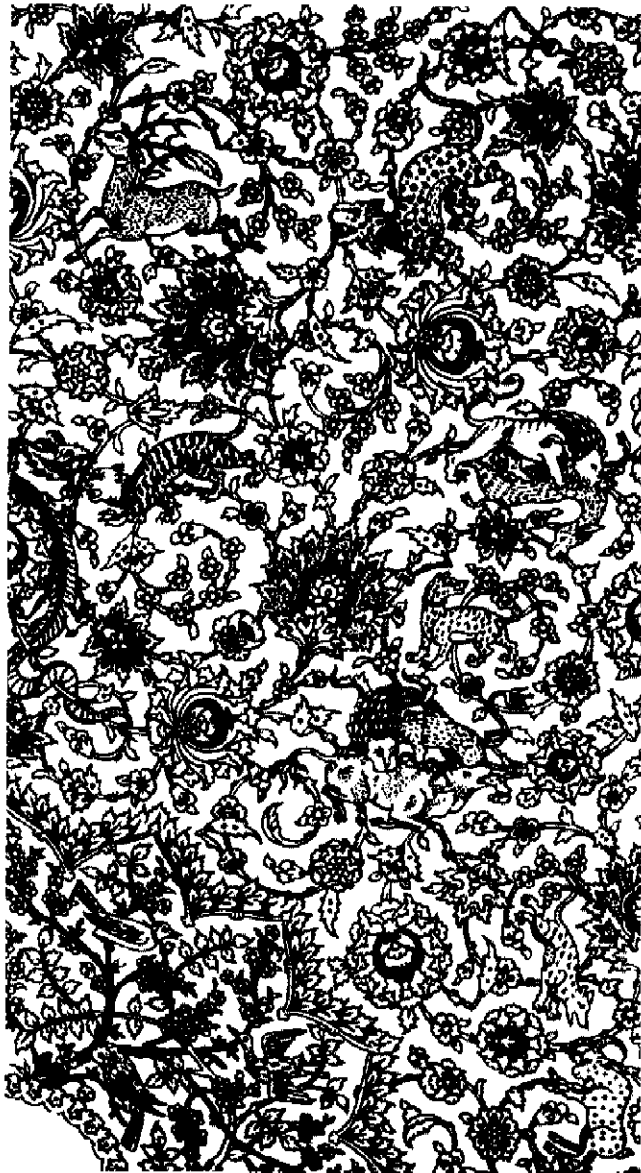
"فدایت شوم مرفومه نمره ۳۷۸۳ عز وصول بخشید بطوری که تذکر داده بودند مجدداً به ایالت کرمان تلگراف شد کمیسیون بی طرفی برای نظارت در اجرای قراری که در موضوع کارخانجات قالیبافی داده اند منتخب و این نکته را هم رعایت نمایند که دستگاهها را طوری ترتیب دهند کارگران بتوانند پای خود را دراز کرده به راحتی مشغول کار باشند و به علاوه مدلول تلگرافی که در این خصوص سابقاً به ایالت کرمان صادر شده است بطور متحدالامال به سایر ایالات و ولایات هم مخابره شد.

امضاء

[میرزا احمد خان قوام السلطنه] (۵۵)

بی نوشتها:

- ۱- محمدرضا فشاهی، تکوین سرمایه داری در ایران (۱۹۰۵-۱۷۹۶)، (تهران: گوتبرگ، ۱۳۶۰)، صص ۳۳۸ و ۳۳۹.
 - ۲- ویلم فلور، اتحادیه های کارگری و قانون کار در ایران (۱۹۰۰-۱۹۴۱)، ترجمه دکتر ابوالقاسم سری، (تهران: توس، ۱۳۷۱)، ص ۹.
 - ۳- فشاهی، پیشین، ص ۳۳۹.
 - ۴- فلور، پیشین، ص ۱۰۵.
 - ۵- بهاءالدین بازارگاد، کروئولوژی تاریخ ایران، (تهران: کتابفروشی اشراقی، ۱۳۲۵)، ص ۲۲۹؛ همچنین: فهرست تاریخی و قوانین و مصوبات از دوره اول تابانان دوره بیست و دوم قانونگذاری مجلس شورای ملی، (تهران: اداره کل قوانین، ۱۳۵۱).
 - ۶- محمدعلی همایون کاتوزیان، اقتصاد سیاسی ایران، ترجمه محمد رضا نفیسی و کامبیز عزیزی، (تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۹)، ج هفتم، ص ۱۳۸.
 - ۷- فشاهی، پیشین، ص ۳۳۸.
 - ۸- همان، صص ۳۳۸ و ۳۳۱.
 - ۹- سازمان بین المللی کار به موجب معاهده ورسای موجودیت یافت و در حقیقت شاخه ای از تشکیلات جامعه ملل محسوب می شد که از نظر اداری تحت سلطه جامعه ملل قرار داشت ولی در مورد اقدامات خارجی صاحب استقلال بود. تشکیلات اصلی این سازمان شامل کنفرانس سالانه، هیئت مدیره و دفتر بین المللی کار بود. تضمین شرایط عادلانه انسانی کارگری و رفاه جسمی، اخلاقی و معنوی حقوق بگیران صنعتی از وظایف عمده سازمان مزبور به شمار می آمد که البته در انجام آنها از آزادی کامل برخوردار بود. (الف. پی. والترز، تاریخ جامعه ملل، ترجمه فریدون زندفر، (تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲)، صص ۱۴۲ و ۱۴۳.
 - ۱۰- مرکز اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی، کارش، ۲۶، دوسیه ۱۵۸، ص ۱۳.
 - ۱۱- کاتوزیان، پیشین، ص ۱۳۸.
- ۱۲- چارلز عیسوی، تاریخ اقتصادی ایران، ترجمه یعقوب آژند، (تهران: گستره، ۱۳۶۲)، ص ۴۶۹.
 - ۱۳- کاتوزیان، پیشین، ص ۱۳۹.
 - ۱۴- احمد اشرف، موانع تاریخی رشد سرمایه داری در ایران: دوره قاجاریه، (تهران: زمینه، ۱۳۵۹)، ص ۱۲۹.
 - ۱۵- جرج. ن. لرد کزن، ایران و قضیه ایران، ترجمه ع. وحید مازندرانی، ج ۲، (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۰)، ص ۶۲۴.
 - ۱۶- این قانون در مجلس از اعضای روسای دوایر دولتی در کرمان تدوین شده است، بنابراین مصوب مجلس شورای ملی نبوده و شامل حال عموم کارگران ایرانی نمی شده است. (همان، صص ۲۴ و ۲۵).
 - ۱۷- بازارگاد، پیشین، صص ۲۳۲.
 - ۱۸- در این زمان به علت ایجاد و گسترش ادارات و موسسات جدید دولتی همچون شرکت بیمه ایران (۱۳۱۲ش)، قانون کار برای کارمندان و ماموران دولت نیز تدوین و تصویب گردید. (مرحوم دکتر حسین محبوبی اردکانی، تاریخ موسسات تمدنی جدید در ایران، ج ۲، (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۲۵۳۴)، صص ۱۸۹-۱۸۸).
 - ۱۹- فلور، پیشین، ص ۱۰۶.
 - ۲۰- والترز، پیشین، ص ۱۴۲.
 - ۲۱- سازمان بین المللی کار از جانب حکومت انگلستان حمایت می شد در نتیجه گزارش های مسووی راجع به اوضاع کارگران قالیباف آن ایالت و شرایط بد محیطی و جسمانی ایشان و سودجویی کارفرمایان توسط کنسولگری انگلیس در کرمان به وزارت امور خارجه انگلیس و سازمان مزبور مخابره می شده است. (برای اطلاع بیشتر ر. ک. به، فلور، پیشین، صص ۱۰۷ و ۱۰۸).
 - ۲۲- شرایط فلاکت بار مردم کرمان در دوره قاجاریه شاید نتیجه پناه دادن ایشان به لطفعلی خان زند باشد. چرا که پس از دستگیری وی و تسلط آغا محمد خان بر کرمان تمام



۱۳۰۲ تا فروردین ۱۳۰۳ والی کرمان بود، که البته در این مدت کوتاه اقدامات مهمی در جهت بهبود اوضاع کارگران قالیباف کرمان به انجام رسانید. تیمور تاش از رجال مقرب رضاشاه بود اما در ۱۳۱۱ش مورد غضب قرار گرفت و نهایتاً در ۱۳۱۲ در زندان به قتل رسید. (غنی، پیشین، صص ۳۰۸ و ۳۰۹).

۴۴- محمد ابراهیم باستانی پاریزی، از ده‌های هفت سر، (تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۳)، ج دوم، ص ۱۱۷.

۴۵- روزنامه شفق، شماره‌های ۹۲۸، ۹۲۹ و ۹۵۰ تا ۹۲۲ تا فروردین ۱۳۰۷.

۴۶- همان، شماره ۸۴۹، ص ۷، پنج شنبه ۲۳ فروردین ۱۳۰۷.

۴۷- در اصل سند: وضعیات.

۴۸- امر حاجاتی: لنگی‌ها، ناموزونی‌ها.

۴۹- در اصل سند: به اسرع وقت.

۵۰- پیشین، صص ۱۵-۱۳.

۵۱- در اصل سند: طوماس.

۵۲- در اصل سند: بدهند.

۵۳- پیشین، صص ۲۲ و ۲۳.

۵۴- همان، ص ۲۴.

۵۵- همان، ص ۲۷.

ایوان اهل کرمان به غارت رفت، خانه‌ها ویران گردید و مردان به قتل رسیدند... تا آنجا که در اندک زمانی پس از این جریان، تأمین معاش روزانه برای ایشان بسیار سخت و مشکل گردید و از شدت اضطراب اولاد خود را به شال بافی و فرش بافی می فرستادند. (حاج سیاح، خاطرات حاج سیاح، به کوشش حمید سیاح و تصحیح سیف‌الله گلکار، (تهران: سپهر، ۱۵۲۶)، ج دوم، صص ۱۶۳ و ۱۶۴. همچنین برای آگاهی بیشتر ر.ک. به: محمد ناظم الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، به اهتمام علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، بخش اول، (تهران: لوح ۱۳۵۷)، صص ۳۰۷-۳۰۵.

۲۳- مرکز اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی، پیشین، ص ۱۲. (اسناد مربوط به سازمان بین‌المللی کار که در مرکز اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود هستند مستقیماً از سوی این سازمان به مجلس شورای ملی مخابره نشده است، بلکه در حقیقت نامه‌هایی است که سازمان مزبور برای وزیر مختار ایران در ژنو ارفع الدوله ارسال داشته است. لذا وزیر مذکور نیز یک نسخه کامل از ترجمه و اصل این نامه‌ها را به انضمام توضیح مطالب برای مجلس وقت فرستاده است).

۲۴- آلبرت تو ما فرانسوی (با به قول الدوله، آلبرت تو ما)، سیاستمدار سوئیسیست جنگجویی بود که در سن ۴۶ سالگی کشمکش‌های سیاسی زیادی را پشت سر گذاشته بود. در طول جنگ جهانی اول مناصب مهمی در کابینه فرانسه داشت و بسیاری به عنوان نخست‌وزیر آینده فرانسه به او می‌نگریستند. او جانشین شلیسته‌ای برای ژورس، نخست‌وزیر زمان جنگ فرانسه بود. هر چه برای این حرفه لازم بود در خود جمع داشت: انرژی سرکش، قدرت بینش، فصاحت و مهارت در بحث و فحص، و اعتقادی آتشین به ایده عدالت اجتماعی. وی همچنین به عنوان رئیس دفتر بین‌المللی کار، توانایی‌هایی خود را پیش از پیش به نمایش گذارد و اقدامات موثری انجام داد. (راولتز، پیشین، ص ۱۴۴).

۲۵- مرکز اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی، پیشین، صص ۱۳ و ۱۴.

۲۶- حمیایتمه زدن: سرپا نشستن، پس زانو نشستن.

۲۷- پیشین، ص ۱۷.

۲۸- همان، ص ۱۹.

۲۹- رضا رفیع معروف به پرنس ارفع الدوله و متخصص به دانش، از رجال سیاسی اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم بود. وی در سال‌های ۱۲۸۹-۱۲۷۹ش به عنوان وزیر مختار ایران در پترزبورگ و سفیر در استانبول مشغول به کار گردید. پس از آن به تهران احضار شد و در ۱۲۹۲ش در دولت محمدعلی خان اعلا السلطنه به سمت وزارت دادگستری تعیین گردید... سپس مأمور اعلام پادشاهی احمدشاه به دربار‌های اروپایی شده و جندی سفیر ایران در جامعه ملل بود. (باقر عاقلی، شرح حال رجال سیاسی - نظامی معاصر ایران، ج ۱، (تهران: گفتار و علم، ۱۳۸۰)، صص ۸۵۱-۸۳. همچنین سیروس غنی، ایران برآمدن رضاخان و برافتادن قاجار و نقش انگلیسی‌ها، ترجمه حسن کامشاد، (تهران: نیلوفر، ۱۳۷۸)، ج دوم، ص ۲۲۰.

۳۰- پیشین، ص ۱۱.

۳۱- در این زمان قوام السلطنه به جای سید ضیا کابینه جدید را تشکیل داده بود.

۳۲- حفظ الصحه: بهداشت.

۳۳- پیشین، ص ۲۱.

۳۴- همان، ص ۹.

۳۵- همان، ص ۱۰.

۳۶- همان، ص ۲۷.

۳۷- همان، صص ۲۲ و ۲۳.

۳۸- جعفر قلی خان سردار بهادر (سردار اسعد سوم) (۱۳۱۳-۱۲۵۸ش) پسر ارشد سردار اسعد دوم و نوه حسین قلی خان ایلخان بختیاری، مشهورترین خوانین بختیاری اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم و خود از سران تحصیل کرده عشایر بود. وی از ۱۲۹۸ تا ۱۳۰۱ش والی کرمان بود و پس از آن والی خراسان گردید. او همچنین به وزارت پست و تلگراف و سپس وزارت جنگ منصوب شد اما در همین زمان به اتهام ارسال محموله بزرگی تفنگ برای ایل بختیاری بازداشت گردید و سرانجام به قتل رسید. (غنی، پیشین، ص ۳۷۱).

۳۹- پیشین، ص ۲۴.

۴۰- در اصل سند: اجیر نامه‌ها.

۴۱- در اصل سند: ... به دستوری که از طرف حافظ الصحه داده می‌شود، رعایت خواهد کرد.

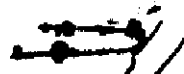
۴۲- همان، صص ۲۵ و ۲۶.

۴۳- عبدالحسین تیمور تاش از رجال مطرح ایران در اوایل قرن بیستم به شمار می‌آید. وی از دوره سوم نایب‌مجلس نماینده نیشابور، قوچان و قانات بود و در آذر ماه ۱۳۰۴ وزیر دربار رضاشاه گردید و از نمایندگی مجلس چشم پوشید. او همچنین از شهرویر

مورخه ۴ بروج مهر ۱۳۴۰
ضمیمه

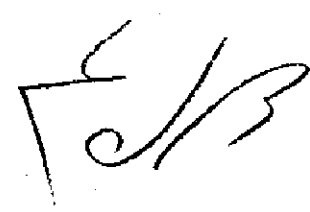
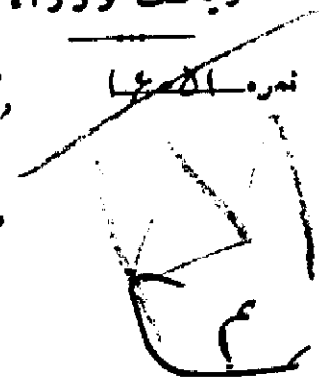


دیاست و ذراء



دایره شم
رقم ۳۷۸۳
داده بخدمت بودا بیات کران گلستان کسیرین بطور
نظارت در جوار قلدور در موضع کارخانات قالدور
در دله غنیمت و این نکته با هم رعایت نمایند در کتب
طوری تربیت دهند کارگران تربیت پذیرند و در
شغل کار باشند و بعد در اول گلخانه در
بیات کران در مشایط بطوریکه حال کار را

نمبره ۱۸



دو دیاست هم نموده اند

رایج تعلیم و تفریح کارکنان بر بصر و تفریح و تعلیم در کتب
بعد از روز شنبه ۱۸ بروج مهر ۱۳۴۰ توسط کارکنان
بر مقرر تعلیم



DELEGATION DE PERSE
A LA
SOCIÉTÉ DES NATIONS

Le 2 Octobre 1921

N° 29

à Monsieur Albert Thomas,
Directeur du Bureau International du Travail
à la Société des Nations

Monsieur le Directeur,

J'ai l'honneur de vous adresser réception de votre lettre du
29 septembre. C'est avec le plus grand intérêt que j'ai pris
connaissance de son contenu.

Si vous n'avez point reçu de réponse à votre lettre au Ministère des
Affaires Étrangères de Perse, cela tient uniquement aux difficultés
de communications entre la Perse et l'Europe. Comme je l'ai déjà
déclaré à maintes reprises dans les Commissions de l'Assemblée
nous recevons les réponses après quatre à cinq mois; et même
il arrive souvent que les lettres franchissent la route.

Le nouveau Gouvernement Perse a mis dans son programme
l'amélioration des conditions de tous les travailleurs: ouvriers
et cultivateurs et il s'efforce d'adapter les conditions de ces travailleurs
aux conditions modernes d'hygiène et de bien-être.

Il est probable qu'un résultat positif sera obtenu prochainement.
Néanmoins je ne manquerais pas d'envoyer votre
note au Ministère des Affaires Étrangères et je ferai tout mon
possible pour obtenir une prompt réponse et pour faire hâter
la réalisation des réformes projetées.

Veuillez agréer, Monsieur le Directeur, l'assurance de ma
haute considération.



ریاست وزراء

دولة تلکرا فی

بتاریخ

۱۳۴۴

۲۹

گزارش استیضاح

بسم اللہ تعالیٰ
 تریب تہی حفظ امنیت گردان قلعہ بٹ بہر آمد، ایک ہی رجب امریکہ کمیونٹی اور
 کشمیر و مدینہ دسترس کہ افرمودہ بودیم باقاعہ باقاعہ قرارداد رک ذیہ لہر مرید
 یفہ مقصد شہر مدینہ قرارداد زہر کا کہ سکون و محو ادارہ در تاریخ ہم شہر الہ
 مدینہ و شہر مدینہ شہر مدینہ شہر مدینہ شہر مدینہ شہر مدینہ شہر مدینہ شہر مدینہ

- شہر الہ شہر مدینہ شہر مدینہ شہر مدینہ شہر مدینہ شہر مدینہ شہر مدینہ شہر مدینہ
- ۱- بیچہ جہاز در کشتی گردان منظور شود و اجیر نامہ کا لاکہ برصایت طہین صورتی کما
 - ۲- ...
 - ۳- در موضع اجیر نامہ فی تادل صر موقوف نہ اگر داز لہر صر باہ کیتہ اجیر نامہ
 - ۴- بطوریکہ در مادہ و نوشتہ شہر برائے ثبت کجا رگہ از دادارہ نوایہ عامہ بیاد نہ
 - ۵- بطوریکہ در مادہ برائے گردان دشا صر کہ اجیر نامہ نہ در تمام خصوص شہر است
 - خواہ بود و تریادہ بر اینہ فقط برائے شہر است کہ بطور اد طلب و معاطم کار رگہ جائز خواہ بود